



درآمدی بر تفسیر اجتماعی قرآن

مطالعه موردی «ماهیت قوانین اجتماعی در قرآن»*

سید علی نقی ایازی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

چکیده:

یکی از رویکردهای مطالعه آیات قرآن مبتنی بر تفسیر اجتماعی است. به این فراخور، مباحث مفسران در ادوار مختلف و با تنوع سلايق در تفاسیر وجود دارد. اهمیت چنین رویکردی، ضرورت مطالعه میان رشته‌ای دانش جامعه‌شناسی و تفسیر را مضاعف می‌کند. با این وصف، هدف از نگارش این مقاله، بازسازی علوم انسانی با رویکرد قرآنی و بهره‌وافر از آموزه‌های این کتاب آسمانی در روابط انسان می‌باشد که در بین جوامع انسانی جاری است. بر این اساس، در این مقاله ابتدا به کلیتی از مطالعه میان رشته‌ای دانش جامعه‌شناسی و تفسیر قرآن پرداخته شده و در ادامه، مطالعه موردی در این زمینه صورت گرفته و مشخصاً درباره موضوعاتی چون تبیین زندگی اجتماعی و قوانین مربوط در قرآن، بررسی ساختاری قوانین جامعه‌شناختی و نگاه تطبیقی با مصادیق آن در قرآن، مختصات این دسته از قوانین و شرایط تحقق آن از منظر قرآن و بررسی کارکردی این دسته از قوانین از منظر قرآن بحث و بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

تفسیر اجتماعی / تبیین زندگی اجتماعی / قوانین اجتماعی / کارکرد / ساختار

تفسیر علمی و مبتنی بر موضوعی خاص، روشی در تفسیر آیات قرآن کریم است که از دیرباز در بین مسلمانان رواج داشته و سابقه آن به قرن دوم هجری باز می‌گردد. وجود چنین سبک تفسیری هم‌زمان با رشد چشمگیر دانش در حوزه‌های مختلف فهم بشری، مورد توجه مضاعف مفسران قرار گرفت تا به مطالعه گزاره‌های این دسته از علوم که با کتاب وحی هم‌پوشانی‌هایی داشت، بپردازند.

از این‌رو تلاش طرفداران این سبک تفسیری بر این بود تا توافقات نظریات علمی را با آنچه در کتاب وحی وجود داشت، مورد تحلیل قرار دهند و نسبت به مواردی که اختلاف نظر بود، به نقد عالمانه آن پرداخته و گزاره‌های علمی استخراج کنند. بر این اساس در تعریف تفسیر موضوعی چنین آمده است:

«تفسیر موضوعی کوششی است بشری در فهم روش‌مند پاسخی از قرآن، در سایه گردآوری - مبتنی بر تئوری - آیات، به مسائل و موضوعات زنده عملی و نظری - برخاسته از معارف بشری و احوال حیات جمعی - که انتظار می‌رود قرآن، سخن حقی در آن باره دارد.» (جلیلی، ۱۴۳)

تفسیر اجتماعی قرآن برگرفته از این سبک تفسیری است، و چون از مقوله فهم و دانش بشری بوده و صبغه‌ای اجتماعی دارد، در علم جامعه‌شناسی درباره آن بحث می‌شود.

خصوصیت تفهیمی این سبک تفسیری می‌تواند ترکیبی از فرهنگ و دانش باشد که بر اساس فضای اجتماعی حاکم بر مفسر شکل گرفته است، به‌ویژه در دوران معاصر با طرح مباحث دانش هرمنوتیک از یک سو و جامعه‌شناسی معرفت از دیگر سو، این نکته روشن می‌شود که چگونه فرض‌ها و انتظارات فرد در فهم از یک متن اثر می‌گذارد. بنابراین امروزه این نکته را بهتر درک می‌کنیم که چگونه شناخت‌های پیشین مفسر در فهم او از قرآن اثر گذاشته و نظریات او را جهت می‌دهد.

دانشمندان هرمنوتیک با بررسی‌های دقیق خود درباره تفسیر و فهم متون، به پنج مسأله اصلی که مقدمات و مقومات تفسیر و فهم متون را تشکیل می‌دهند، توجه کرده‌اند. این پنج مسأله عبارت است از: ۱- پیش‌فهم یا پیش‌دانسته مفسر (دور



هرمنوتیکی)، ۲- علایق و انتظارات هدایت کننده مفسر، ۳- پرسش‌های وی از تاریخ، ۴- تشخیص مرکز معنای متن و تفسیر متن به‌عنوان یک «واحد» به‌عنوان محور آن مرکز، ۵- ترجمه متن در افق تاریخی مفسر. (مجتهد شبستری، ۱۶)

جایگاه پیش فهم مفسر در تفسیر اجتماعی

در خصوص این اصل که پیش دانسته‌های مفسر در تفسیر قابل ملاحظه است، در بین اندیشمندان این نحله فکری تعارضی وجود دارد. آبخخور این تعارض به نوع نگاه این دو دسته فکری به تفسیر است. کسانی که تفسیر را نتیجه استخراج هدف مؤلف متن می‌دانند، بر این باورند که پیش‌فهم‌های مفسرین می‌تواند بنا به احوال و شرایط اقتضایی ایشان، دارای طیف وسیعی باشد که در برخی مواقع این وضعیت می‌تواند مغایرت‌هایی را با دیدگاه مؤلف فراهم آورد، از این رو این دسته از نظریه‌پردازان معتقدند برای اینکه مفسر به دنیای ذهنی مؤلف راه پیدا کند، باید هم به معانی الفاظ متن توجه داشته باشد، و هم خود را در ذهنیت مؤلف شریک سازد و به‌گونه‌ای با گفتمان او آشنا شود. (نصری، ۱۰۰)

این در حالی است که دسته دوم نظریه‌پردازان بر این باورند که تفسیر راه جدایی از نیت مؤلف دنبال می‌کند. بدین سبب ورود به ذهنیت مؤلف امر ضروری نیست، بلکه به تعداد مفسرین که دارای پیش‌فهم‌های متنوعی هستند، می‌توان تفاسیر گوناگونی ارائه داد.

تفسیر اجتماعی مورد نظر با توجه به پیش‌فرض‌هایی در صدد است تا به نیت مؤلف پی ببرد، از این رو نیازمند وجود شرایط متعددی است؛ از جمله اینکه مفسر بر این پیش‌فرض تأکید دارد که: «قرآن ویژه مردمان یک عصر نیست و برای انسان‌ها در هر زمان راه هدایت را روشن می‌کند. بر این اساس مفسر سعی می‌کند آیات قرآن را بر متن واقعیت عرضه و پاسخ قرآن را در مورد چالش‌ها و پرسش‌های زمان استخراج کند.» (رضایی اصفهانی، ۲۸۳)

خصوصیت وجود پیام‌های اجتماعی در قرآن مقتضی است تا بتوان از آن در متن زندگی بهره جست. چنان‌که علامه فضل الله در مقدمه تفسیرش، «من وحی القرآن»، چنین می‌نویسد:

«قرآن کتابی لغوی نیست تا در همان معنای لغوی خود منجمد شود، بلکه کلماتی است که در فضاهای روحی و فکری در حرکت است. از همین رو برخورد ما با آیات آن مانند برخورد با متون ادبی مجردی نیست که دور از فضای واقعیت و تنها در اندیشه محض حرکت می‌کند.» (فضل الله، ۱/۲۵)

خصوصیت اجتماعی تفسیر

یکی دیگر از خصوصیات این تفسیر، تحول از دیدگاه فردی به اجتماعی است. مقوله‌هایی چون آزادی، عدالت اجتماعی، کجروی‌ها، انحرافات اجتماعی، ارزش‌ها و به‌طور کلی فرهنگ از این دریچه بررسی می‌شود.

مطالعه موردی تفسیر اجتماعی

طبیعت قانون مند زندگی اجتماعی

زندگی اجتماعی و قوانین مربوط به آن از زوایای مختلف قابل بررسی است و می‌توان از یک منظر، طبیعی بودن زندگی اجتماعی و قوانین حاکم بر آن را تحلیل نمود. یکی از دیدگاه‌های موجود و قابل دفاع، اجتماعی زیستن آدمی است که از آن به‌عنوان یک امر طبیعی یاد شده است. بنای این فرض بر این است: چنان‌که ویژگی‌های فیزیکی و روحی در وجود آدمی به ودیعه گذاشته شده، گرایش به حیات و تشکیل زندگی جمعی - که با تشکیل خانواده آغاز گردیده - نیز به‌طور طبیعی در آدمی وجود دارد.

برای این امر دلایل و شواهد متعددی اقامه شده است. از جمله وجود اعضای فیزیکی مقتضی زندگی مشترک و ویژگی‌های روحانی و روانی که تنها با کنار یکدیگر قرار گرفتن، امکان بروز و ظهور دارند، بر این گرایش دلالت دارند و هر گاه زمینه‌های طبیعی فعال شدن و بروز هر کدام از این ویژگی‌ها - اعم از جسمانی



یا روحانی در یک فرایند و تابع قانونی نهادینه شده - مهیا شود، عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ مانند اینکه اگر چشم باز شود و به منظری بیفتد، می‌بیند و اگر صدایی بیاید و گوش مانعی نداشته باشد، می‌شنود و همچنین اگر همان چشم به جنس مخالف بیفتد، عکس‌العمل روحی - روانی در فرد ایجاد می‌کند و یا زمینه وحشتی پیش آید، می‌ترسد و یا در حادثه رقت‌بار مرگ انسان‌ها در بلایی طبیعی مانند زلزله، عواطف و احساسات او تحریک شده، ناخودآگاه در جهت کمک و یاری آنها حرکت می‌کند.

اعتقاد به اینکه طبیعت قانونمند بوده و امکان پیش‌بینی بر آن حاکم است، حکایت از نظمی است که بر طبیعت حاکم است، نه بی‌نظمی و آشفتگی (شارون، ۴۱). با این وصف، جامعه‌شناسی به عنوان یک علم بررسی‌کننده طبیعت زندگی اجتماعی جوامع، از این قاعده مستثنا نیست؛ زیرا قانون طبیعی را فرض می‌کند و اعتقاد راسخ دارد که بر روابط اجتماعی مثلاً گروه‌ها، کنش‌های متقابل اجتماعی، اجتماعی شدن و تضاد اجتماعی نیز نظم حاکم است. انسان‌ها جزء طبیعتند و تابع نظم و قواعدی هستند که می‌تواند تجزیه، درک و پیش‌بینی شود. برای نمونه هنگامی که افراد در جامعه به کنش متقابل می‌پردازند، تقریباً همیشه یک نظام نابرابری، مجموعه‌ای از انتظارات برای هر کنشگر و دید مشترکی از واقعیت که فرهنگ نامیده می‌شود، به وجود می‌آوردند. یا هنگامی که جامعه‌ای صنعتی می‌شود، روندی نیرومند در جهت دوری از سنت و گرایش به فردگرایی به وجود می‌آید. و یا هنگامی که میزان انتظارات گروه‌های ستم‌دیده از آنچه گروه مسلط در جامعه می‌تواند یا می‌خواهد ارائه دهد فراتر رود، شورش و سرکشی و حتی انقلاب گسترش می‌یابد. ظاهراً مدارک و شواهد نشان می‌دهند که این الگوها در گذشته رخ داده و خواهند داد. بالأخره می‌توان به شواهدی اشاره کرد که توضیح می‌دهد که چه شرایطی به وقوع آنها کمک می‌کنند و چرا استثناها یا الگوهای متفاوتی وجود دارند. (همان، ۴۲)

تبیین زندگی و قوانین اجتماعی در قرآن

آیت الله جوادی آملی در کتاب «جامعه در قرآن» ضمن طرح دیدگاه‌های مختلف درباره دلیل اجتماعی زیستن انسان و مروری بر دیدگاه علامه طباطبایی، با ارائه تحلیلی عقلی از زندگی اجتماعی می‌نویسد:

«انسان نه مانند فرشته است که معصوم باشد، و نه چون حیوان تا همه همت او پر کردن شکمش باشد، بلکه دارای دو جهت است: یکی حیثیت طبیعی که ذات اقدس الهی آن را به طبیعت طین، حمای مسنون و گل و لای اسناد می‌دهد: ﴿إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ﴾؛ «در واقع من آفریننده بشری هستم که از گل خشکیده‌ای که از گل سیاه (بدبوی مانده) شکل یافته، گرفته شده است» (حجر/۲۸)، و دیگری حیثیت فطری او که مستلزم فرشته خویشی است: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾؛ «و هنگامی که او را مرتب نمودم و از روح خود در او دمیدم، پس برای او سجده‌کنان درافتید.» (ص/۷۲). انسان از جنبه طبیعت مستمر بالطبع است، اما روح او مدنی بالفطره است و بین این دو گرایش همواره جهاد اکبر برپاست. پس انسان طبعاً باید در جامعه به سر برد، ولی این گرایش به اجتماع غیر از قانون‌مداری، عدل‌محوری و حق‌طلبی اوست، بنابراین اصل زندگی جمعی انسان مقتضای طبع اوست، لیکن متمدن بودن، عدل‌خواهی و حق‌طلبی مقتضای فطرت اوست، نه طبع او.» (جوادی آملی، ۴۵-۴۴)

در بینش قرآنی این نکته مسلم است که پیدایش بشر در روی زمین با یک زن و مرد به نام آدم و حوا به صورت زندگی خانوادگی آغاز شده و ارتباط جنسی و آرامش و سکون، وابستگی خانوادگی و عوامل عاطفی و روانی، نخستین حلقه‌های ارتباط انسان‌ها و تشکیل زیربنای جامعه انسانی یعنی خانواده است؛ چنان‌که خداوند در آیات شریفه ۲۰ و ۲۱ سوره روم می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾.

بر این اساس، تفاوت انسان‌ها از جهت استعدادها، مواهب جسمی، روحی، عقلی و عاطفی که بر اساس قوانین جهان آفرینش پایه‌ریزی شده، امری طبیعی



است. این امر افراد را به یکدیگر نیازمند ساخته و آنان را به زندگی اجتماعی دعوت می‌کند و ضرورت آن را بیش از پیش برایشان نمایان می‌سازد. همچنین نیازهای مختلف انسان که روز به روز افزایش می‌یابد و بشر به تدریج از آن مطلع می‌شود، همگی موجب می‌گردد به طور طبیعی اجتماع پدید آمده را استقرار و استحکام بخشد تا افراد - گرچه از روابط سببی و نسبی واحد برخوردار نباشند و یا از ملیت‌ها و نژادهای گوناگون منشعب شوند - نه تنها به اجتماعی زیستن تن دهند، بلکه به آن استحکام بخشند و از متلاشی شدن آن جلوگیری کنند.

به عبارت دیگر، زندگی اجتماعی طرحی است در آفرینش انسان و با طبیعت بشری او سرشته شده است. این شیوه زندگی گویی ریشه در اعماق جان بشر دارد، به طوری که انسان تا با این ویژگی‌ها و کشش‌های انسانی باقی است، این گرایش به سوی جامعه و حیات اجتماعی نیز تجلی می‌یابد که آیات ذکر شده مؤید آن است.

تنوع قوانین در مطالعات جامعه‌شناختی

اگر زندگی اجتماعی را برای جامعه امری طبیعی بدانیم، وجود قوانینی که بتواند روابط بین اجزای آن را نظم بخشد نیز امری گریز ناپذیر خواهد بود. با این وصف، مطالعات جامعه‌شناختی از دو منظر به مطالعه این مقوله می‌پردازد: یکی به ایستایی‌شناسی یا مطالعه اوضاع و احوال جامعه، صرف‌نظر از تطورات آن در طول تاریخ که به ساختمان و نظم جامعه در یک مقطع زمانی خاص توجه دارد، و دیگری پویایی‌شناسی که به مطالعه جامعه از وجه پویا و تطورات تاریخی آن نظر دارد. بررسی کارکردی و تاریخی جامعه نیز از ویژگی‌های این نوع مطالعه است.

این تقسیم‌بندی مطالعه جامعه‌شناختی، طبقه‌بندی خاصی از وضع قوانین را ارائه می‌دهد که استاد مصباح یزدی به سه مورد از آنها اشاره می‌کند.

۱- قوانین مبتنی بر فرهنگ‌ها

هرچند افرادی چون دیوید هیوم و پیروان او اساساً منکر مطلق علیت می‌باشند و بدین سبب به وجود هیچ قانونی اعم از طبیعی، زیستی، روانی و در نهایت اجتماعی باور ندارند، لیکن در نظر کسانی چون اسپنگلر و پیروان او، امور اجتماعی قانونمند

است، اما هر جامعه‌ای قانون خاص خود را دارد. در این نگرش هر جامعه‌ای پدیده منحصر به فرد است که با هیچ جامعه‌ای مشابهت ندارد و در نتیجه قوانین حاکم بر یکی با قوانین حاکم بر دیگری متفاوت است. اینان به طور عمده قوام جامعه را به فرهنگ آن می‌دانند و قوام فرهنگ را به ارزش‌ها؛ این فرهنگ و این ارزش‌هاست که جامعه را دارای هویت و قوانین ویژه می‌سازد. (مصباح یزدی، ۱۳۱)

۲- اشتراک قوانین در یک دوره تاریخی

گروهی معتقدند که همه جوامعی که در یک دوره تاریخی به سر می‌برند، دارای قوانین مشترکند که با قوانین جوامع در دوره تاریخی دیگر فرق دارند. در واقع از این منظر هر جامعه‌ای در سیر تاریخی خود از مرحله‌ای به مرحله دیگر می‌رود که هر مرحله نسبت به دیگری ذاتاً اختلاف دارد، لیکن هر مرحله دارای قوانین ویژه خود است. از ویژگی‌های این گونه تحلیل از جامعه، اعتقاد به تغییرات اساسی در طول تاریخ جوامع است که زمینه انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر را فراهم می‌سازد. (همان، ۱۳۲)

۳- قوانین جاودانه

بر اساس این نگرش، اساساً همه امور و شؤون اجتماعی و نمودهای جمعی، نتیجه عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها، هدف‌ها، بیم و امیدها و اندیشه‌های افراد بشری و حاصل سنت‌هایی است که او خود به وجود آورده و نگرهبانی کرده است و چون طبیعت او تقریباً ثابت است، نباید انتظار داشت که همه قواعد و نظام‌ها را از میان بردارد و قوانین کاملاً جدیدی را جایگزین نماید، از این رو نظام‌ها و قوانین اجتماعی جاودانه و تغییر ناپذیرند و در زمان و مکان‌های مختلف تفاوتی پیدا نمی‌کنند؛ شبیه قوانین طبیعی که زمان و مکان در او اثر ندارد. (همان، ۱۳۴)

تعریف لغوی و اصطلاحی قانون و سنت

«قانون» واژه‌ای سریانی است که در لغت به معنای خط‌کش، اصل، رسم و آیین آمده است (سجادی، ۵۷۰) و در اصطلاح حقوق، عبارت است از قاعده‌ای که



مراجع قانون‌گذار تصویب می‌کنند (جعفری لنگرودی، ۵۱۷). رابطه علی، قابل تکرار، پیش‌بینی‌پذیر و منظم بین پدیده‌های اجتماعی را که اعتبار آنان با مشاهدات مکرر سنجیده شده باشد، قانون گویند. قوانین اجتماعی از اصول متعارف که اموری خودبه‌خود بدیهی و از نظر منطقی حائز ارزشند و ارزشی که گاه موجبات پیدایی وفاق بین فرد و جامعه و در نهایت یک یک افراد را با یکدیگر فراهم می‌کند، مورد توجه ویلیامز قرار گرفته است. (ساروخانی، ۷۰۹)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت قانون در دو عرصه به کار می‌رود: یکی در امور اعتباری و دیگری امور واقعی. قانون اعتباری مفاد جمله‌ای است که صراحت در امر یا نهی دارد؛ مانند لزوم رانندگی از سمت راست، و قانون حقیقی یا واقعی حکایت از یک ارتباط نفس‌الامری و واقعی دارد؛ مانند قوانین موجود در علم فیزیک، شیمی و ریاضیات. قوانین حقیقی خود به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. قوانین علمی که از مفاهیم ماهوی تشکیل می‌شوند و از پدیده‌های ملموس و خارجی سخن می‌گویند؛ مانند قوانین فیزیکی.

۲. قوانین فلسفی که از مفاهیم فلسفی ساخته شده‌اند؛ مثل مفاد عبارت «خدا وجود دارد».

۳. قوانین منطقی که از مفاهیم منطقی ساخته شده و درباره صورت‌های ذهنی سخن می‌گویند؛ مانند اینکه منتج بودن شکل اول قیاس، به موجب بودن صغری و کلی بودن کبری است. (مصباح یزدی، ۱۱۴-۱۲۱)

«سنت» واژه‌ای است که از نظر لغت به معنای روش، راه، طریقه، طبیعت، سیره و شریعت آمده است (مجمع‌البحرین، واژه «سنت») و در اصطلاح دارای معانی متعددی است که بر اساس دو تعریف زیر، با مفهوم قانون هم معناست.

۱. روش‌هایی که خداوند متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند (مصباح یزدی، ۴۲۵) و از ویژگی‌های آن، تخلف‌ناپذیری و تبدیل‌ناپذیری است.
۲. آنچه در اصطلاح فلسفه به نام نظام جهان و قانون اسباب خوانده می‌شود، در زبان دین، سنت الهی نامیده می‌شود. (مطهری، ۱۳۵)

مفهوم قانون و سنت در قرآن

هرچند در قرآن کریم تعبیر قانون وجود ندارد، لیکن با مراجعه به قراین و سیاق آیات و دقت در کاربردهای مفهوم سنت که به طور متعدد در قرآن به کار رفته است، یکسانی آن با مفهوم قانون قابل برداشت است. چنان که در آیه ۱۳۷ سوره آل عمران بیان شده است: ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾.

این آیه هم بر سنت‌ها و قوانین تاریخ تأکید دارد، و هم بر پیگیری و پژوهش حوادث و رویدادهای تاریخی به منظور کشف و استخراج آن سنن و قوانین و عبرت گرفتن از آن حوادث و رویدادها پافشاری می‌کند (صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ۹۵). از این رو برخی نویسندگان از سنت‌های الهی در تدبیر جوامع، به قوانین جامعه‌شناختی قرآن تعبیر می‌کنند.

ساختار قوانین اجتماعی در قرآن

مناسب است تا تأملی در سه گونه از صورت‌های مختلف قوانین در قرآن انجام گیرد تا ابعاد دیگر بحث در این زمینه روشن شود.

۱. اولین گونه از قوانین در قرآن کریم عبارت است از گزاره‌هایی که شکل و قیافه قضیه شرطیه را داراست و بین دو پدیده یا دو مجموعه از پدیده‌ها در عرصه اجتماع ارتباط برقرار می‌کند.

این قانون اساساً کاری به میزان تحقق یا عدم تحقق شرط ندارد و نیز به ما اطلاع نمی‌دهد که شرط لازم حاصل شد یا نشد. تنها مطلبی که قانون مذکور در اختیار ما می‌گذارد، این است که نتیجه و جزای شرط از خود شرط جدا نمی‌شود (همان، ۱۴۳). این شکل از قانون می‌تواند تداعی‌کننده قوانین جاودانه‌ای باشد که استاد مصباح در تقسیم‌بندی‌شان بدان اشاره کرده‌اند.

از این نمونه در قوانین طبیعی نیز فراوان یافت می‌شود که می‌توان به قانون درجه حرارت نقطه جوش آب اشاره کرد. از آن دسته آیاتی که در این قالب می‌گنجد، آیه مربوط به تغییر سرنوشت اقوام و جوامع است؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ



حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ﴿ (رعد/۱۱). در این آیه شریفه بین تغییر محتوای باطنی انسان و تغییر وضعیت ظاهری او پیوند وجود دارد، به این معنا که هرگاه در باطن مردم تغییری ایجاد شد، در بنای ظاهری آنان و کیان مادی و اعتبار جهانی آنها نیز تغییر پدید می‌آید.

نمونه دیگر آیه ۱۶ سوره مبارکه جن است: ﴿وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾. در سوره اسراء آیه ۱۶ نیز آمده است: ﴿وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾. (صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ۷۵-۷۲)

در آیه سوره جن اعطای آب فراوان منوط به ماندن در راه مستقیم است و در آیه دیگر هم دو چیز به هم مرتبط شده است: یکی اوامری که به فاسقان و رفاه‌زدگان جامعه متوجه است و آنها مخالفت می‌کنند، و دیگری امر هلاکت و انحلال جامعه.

۲. قوانین منعطف یا قوانینی که با گرایش‌های انسان سروکار دارند؛ به این معنا که لازم نیست هر قانون و سنتی اساساً در هیچ مقطعی قابل معارضه نباشد، ولی در نهایت حاکم خواهد شد. از این نمونه می‌توان به قانون گرایش به دین که به‌عنوان سنتی در نهان و طبیعت بشر نهاده شده، اشاره کرد: ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم/۳۰). از ویژگی این گرایش‌ها، امکان مخالفت و مبارزه موقت با آنهاست، لیکن در نهایت، مخالفت و ناسازگاری با آن به ناپودی و انحراف قطعی می‌انجامد که این خود حکایت از صورت دیگری از قانونمندی است.

شهید محمد باقر صدر بر این باورند که دین و قوانین حاکم بر آن در این دسته قرار می‌گیرد که اگر چه رقابت و مبارزه با آن در کوتاه‌مدت ممکن است، ولی رقابت‌جویی به‌صورت درازمدت و وسیع امکان‌پذیر نیست. (صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ۱۶۱)

۳. قضایای قطعی و عملی که آدمی در چنین موضعی نمی‌تواند کاری انجام دهد یا بتواند شرایط را دگرگون و یا تعدیل کند؛ زیرا قضیه به صورت شرطیه بیان نشده، بلکه قطعی و محقق الوصول است.

مختصات قوانین اجتماعی در قرآن

قوانین در هر محدوده، شرایط و موضوعی معمولاً ویژگی‌هایی مشترک و در برخی موارد اختصاصی دارند که قوانین جامعه‌شناختی در قرآن نیز از این ویژگی‌ها مستثنا نیستند. از ویژگی‌های عمومی می‌توان به کلیت و سازگاری آن با آزادی انسان و از ویژگی‌های اختصاصی می‌توان به الهی بودن آنها اشاره کرد.

۱. قوانین کلی و دارای عمومیت‌اند؛ به این معنا که بیانگر روابطی اتفاقی و کورکورانه نیستند و در نتیجه، وضعی ثابت و غیر قابل تخلف دارند. قرآن کریم با پافشاری فراوان بر روی این قوانین و کلیت و عمومیت آنها، اساساً به این قوانین جنبه علمی داده و در افراد، احساسی عمیق و ژرف را برمی‌انگیزد تا مسائل اجتماعی خود و تاریخ آن را با بصیرت و آگاهی دنبال کنند و با همین آگاهی، آنها را بپذیرند، از این رو می‌فرماید: ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر/۴۳)، ﴿سُئِنَّا مَنَّ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدَ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا﴾ (اسراء/۷۷).

این دسته آیات و نظایر آن (انعام/۳۴ و احزاب/۶۲) ما را به خصوصیت استمرار و کلیت قوانین جامعه‌شناختی واقف می‌سازد و به آن نیز جنبه‌ای علمی می‌دهد. در آیاتی دیگر، کسانی را که سعی دارند به نوعی خود را از این قانون مستثنا کنند، مذمت نموده و می‌فرماید: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَكْبِرِينَ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ (بقره/۲۱۴).

۲. قوانین جامعه‌شناختی با آزادی و اراده انسان سازگار است. در برخی اندیشه‌ها (مانند نگرش ماتریالیستی)، قانونمندی جامعه پندار نادرستی را موجب شده که بر اساس آن، نوعی تعارض بین این قانونمندی و اراده آزاد انسان توهم شده است. از این رو قرآن کریم بر این حقیقت تأکید و توجه نموده است که مرکز و کانون حوادث و قضایایی که یکی بعد از دیگری بر این جهان می‌گذارد، اراده انسان است. (صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ۷۸-۷۶)؛

﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا﴾ (کهف/۵۹)

﴿وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (جن/۱۶)



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد/۱۱).

ظلم از روی اراده و ماندن در مسیر از سر اختیار و بالاخره خواستار تغییر از درون شدن، به عنوان عواملی است که نقش اراده و اختیار انسان را در زمینه سازی جریان یک قانون و سنت خاص در این دسته آیات نشان می دهد. با ملاحظه این دسته از آیات، به خوبی معلوم می شود که چگونه سنت های تاریخی فراتر از اختیار انسان نیست، بلکه همه از زیر دست انسان می گذرد؛ زیرا خداوند هرگونه تغییر مطلوبی در زندگی انسان را به دست خود او سپرده و هرگاه ملتی راه راست را تعقیب کند، خداوند او را از زندگی خوش بهره مند می سازد.

توجه به این اصل، موقعیت مثبتی را فراهم می سازد تا انسان، آزادی و انتخاب و تصمیم آزاد خود را نشان دهد. بنابراین مسأله آزادی انسان - در ترسیم که قرآن کریم نسبت به سنن و قوانین دارد - نقش اساسی ایفا می کند و میزان مسؤولیت خود را در ساختن جامعه نشان می دهد.

۳. الهی بودن قوانین اجتماعی از ویژگی های اختصاصی این دسته از قوانین است. مراد از الهی این نیست که فعل خاص به طور مستقیم و بی واسطه از خدای متعال صادر شود، بلکه ممکن است اسباب و وسایل بسیاری اعم از طبیعی و عادی و فوق طبیعی و غیبی، در کار آمده باشد و در عین حال به خدای متعال منسوب شود. از این رو در مواردی که در قرآن کریم واژه سنت و سنن به کار رفته است، یا به طور مستقیم منتسب به خداست؛ مانند آیات ۳۸ و ۶۲ احزاب، ۸۵ غافر و ۲۳ فتح، و یا به طور غیرمستقیم به خداوند منتسب است. در حقیقت در موارد اول ناظر به سنت گذار و در موارد دوم به محل اجرای سنن (جوامع و حکومت ها) اطلاق گردیده است. (مصباح یزدی، ۴۲۶)

با توجه به این مطالب می توان گفت:

الف) قانونمندی حاکم بر جوامع، ضوابط و قوانینی الهی اند، نه جبر تاریخ و محیط.

ب) الهی بودن سنن و قوانین به این معناست که مجموعه علت و معلول‌ها یا به‌طور مستقیم به خداوند ختم می‌شوند، و یا اوست که تدبیر و اراده خود را به صورت این ضوابط و در قالب این قواعد اعمال می‌کند.

ج) این قوانین همچون قوانین طبیعی در طول اراده الهی است و در قلمرو اراده او عمل می‌کنند.

شرایط تحقق قوانین جامعه‌شناختی در قرآن

همان‌گونه که در مباحث مقدماتی آمد، تمام پدیده‌های طبیعی و انسانی تحت سیطره قانون، همه درگیر علیت هستند و بدین جهت به‌طور قطع از عوامل و شرایط تحقق قوانین، تابعیت از این سنت است. همان‌گونه که شهید صدر در کتاب تفسیر موضوعی خود یادآور شده است، امتیاز پدیده‌های اجتماعی و تاریخی در جوامع بشری این است که این پدیده‌ها علاوه بر آن، علامت ویژه‌ای دارند که عبارت است از پیوند آنها با هدف؛ به این معنا که حرکت و مسیر آن در جامعه برای رسیدن به یک مقصود است و به تعبیر فلاسفه، به‌جز علت فاعلی، علت غایی هم دارد. در همه جا جوش آمدن آب بر اثر حرارت، علتش را و گذشته‌اش را همراه دارد، ولی به‌هیچ وجه ناظر به نتیجه کارش نیست و تا زمانی که اصطلاحاً به شکل کار انسانی در نیاید، نمی‌تواند ناظر به هدف باشد، در صورتی که کار هدفدار انسان مشتمل بر پیوندی است غیر از پیوند با علت و آن، هدفی است که هنگام عمل موجود نیست و می‌خواهد بعداً محقق شود؛ تفاوت هم نمی‌کند که هدف صلاح باشد یا فساد. از طرفی هر عملی هم که هدف داشته باشد، لزوماً در تحت قوانین اجتماعی نمی‌گنجد، بلکه شرط دیگری دارد و آن عبارت است از جنبه اجتماعی عمل. در واقع زمینه فعل باید اجتماعی باشد. در اینجا جامعه به‌گونه‌ای علت مادی عمل است و ساحتی است که عمل را از بعد فردی خارج کرده، آن را در سطح بالایی گسترش می‌دهد. (کرمی فریدنی، ۱۵۲)



کارکرد قوانین جامعه‌شناختی در قرآن

۱- تعمیم آثار کنش‌های اجتماعی

یکی از کارکردهای اختصاصی جامعه، نظام سازمان‌یافته تربیتی رسمی یا غیر رسمی است که از طریق فرایند جامعه‌پذیری محقق می‌شود و نتیجه چنین فرایندی این است که هرگاه از همه یا بیشتر افراد جامعه عملی خاص صورت پذیرد، آثار خوب و بد آن عمل، همه افراد جامعه را دامنگیر می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف/۹۶).

اگر ایمان را معادل جامعه‌پذیری دینی گرفته و خودنگه‌داری (تقوا) را معادل با نظارت اجتماعی تفسیر کنیم، نتیجه آن نزول برکات آسمانی و زمینی مانند نزول سودمند و بهنگام، فراوانی بارش‌های آسمانی، افزایش محصولات کشاورزی و دامپروری و دفع آفات از آنها، صحت و سلامت بدنی، آسایش و آرامش روحی و امنیت اجتماعی بر آنها می‌شود.

به عکس این قضیه نیز آیه شریفه دیگری این گونه اشاره دارد: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً﴾ (انفال/۲۵)

«خودتان را از [بلا و] فتنه‌ای نگاه دارید که فقط به کسانی از شما که ستم کردند، نمی‌رسد (بلکه همه را فرا می‌گیرد).»

آری! بترسید که فقط کسانی از شما که ستم کرده‌اید، گرفتار فتنه نمی‌شوند، بلکه فتنه، ستم‌ناکرده‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

این قانون نیز بیانگر یک ارتباط حقیقی و تکوینی از قوانینی است که اختصاص به یک قوم و گروه ندارد، بلکه به فلسفه آن که بنگریم، همگانی بودن آن به‌خوبی قابل برداشت است و می‌توان عمومیت آن را برای دیگر جوامع ترسیم نمود. بنابراین با نگاهی اجمالی به آیات قرآن کریم، به یک رشته از قوانین تکوینی و تشریحی مشترک بین همه جوامع دست می‌یابیم که می‌توان قابلیت تعمیم را از آن استنتاج کرد.

۲- عبرت‌گیری

دستور به عبرت‌آموزی تنها در صورتی ممکن و مفید است که یک واقعه و حقیقت تاریخی، پدیده‌ای منحصر به فرد و متعلق به یک جامعه خاص نباشد، بلکه

قابلیت تکرار در دیگر جوامع و زمان‌ها را داشته باشد، از این رو معلوم است که از نگاه قرآن کریم، وجوه اشتراک فراوانی بین گذشتگان و آیندگان وجود دارد که عبرت‌آموزی آیندگان از سرنوشت گذشتگان را امکان‌پذیر و مفید می‌سازد. بدین سبب در آیات مختلف به این مهم چنین اشاره می‌کند: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (یوسف/۱۱۱). و یا در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى﴾ (نازعات/۲۶).

آیات فوق و آیات دیگری مانند آیه ۱۳ آل عمران و آیه ۲ سوره حشر، حکایت از این معنا می‌کند که قوانین اجتماعی به دلیل حیثیت عمومی آن و اشتراک ماهوی جوامع، گذشته، حال و آینده آن می‌تواند جنبه پندگیری داشته و آحاد جوامع با بهره‌گیری متناسب، زمینه پیشرفت و جلوگیری از افت‌وخیزهای آن را موجب شوند. در این زمینه مناسب است تا برخی از آیات دیگر مورد توجه قرار گیرند. از جمله آیاتی که دعوت به سیر و سفر در زمین و عبرت‌آموزی دارد. قرآن کریم از مردم به سیر در زمین دعوت نموده تا نسبت به سرانجام مردم قبل از خود آگاهی یابند، به‌خصوص با تأمل در آیاتی که اشاره به برخی دارایی‌های اقوام مانند قدرت، قوت و امکانات بیشتر کرده و آن را از ویژگی‌های آنها می‌داند، لیکن آنها مانعی از قوانین اجتماعی حاکم بر کل جوامع نیستند که قرآن به‌رغم آن ویژگی‌ها، به تأمل و تدبر در سرگذشت آنها دعوت می‌کند؛

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾ (یوسف/۱۰۸)

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (روم/۹)

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (غافر/۲۸).

قرآن کریم در دیگر آیات، به همین عبرت‌آموزی، اما با لحن دیگری دعوت می‌نماید که در سرگذشت گذشتگان بیندیشید و عاقبت تکذیب‌کنندگان را بنگرید (آیات ۱۳۷ آل عمران، ۱۱ انعام، ۳۶ نحل، ۲۵ زخرف).



اصطلاح قرآنی «سیر در زمین» در این دسته از آیات، به معنای تفکر و تأمل در وقایع و حوادث تاریخی به منظور عبرت‌آموزی و پنداندوزی است، حال اینکه اگر هر واقعه‌ای پدیده‌ای منحصر به فرد بود و ربطی به سایر جوامع نداشت، خداوند حکیم دعوت به ژرف‌اندیشی در آن نمی‌کرد.

از نگاه قرآن کریم این قانون اجتماعی قطعی است: جوامعی که آیات الهی را تکذیب می‌کنند یا بزهکاری پیشه می‌کنند و یا بیشترشان مشرک می‌شوند، سرنوشت مطلوبی نخواهند داشت، و این قانون الهی استثنایپذیر نیست و کلیت دارد، و این سرّ اصلی استفاده از تأمل در سرنوشت گذشتگان است.

نتیجه‌گیری

نوعی این‌همانی در دیدگاه قرآن کریم و مسأله قانونمندی جوامع در دیدگاه جامعه‌شناسی وجود دارد که با توجه به ویژگی‌ها، شرایط، عوامل تحقق و اظهار وجود چنین قوانینی در نگاه قرآن کریم، جامعیت قرآن در این نگاه ثابت می‌شود و بلکه نشانگر عمق دیدگاه قرآن و توجه به جامعه به عنوان بستر اصلی شکل‌گیری رفتارها و وابستگی آن به ارزیابی‌های آن جهانی است. این قانونمندی علاوه بر اینکه جنبه این جهانی دارد و بستر آن در جهان مادی است، هدف و جهت‌گیری آن به سمت امور غیر مادی و جهان دیگر است که بیان چنین تبیینی در قدرت و توان جامعه‌شناسی نیست که خود نوید نوعی جامع‌نگری قرآن به مسائل جامعه بشری و تحلیل قواعد و قالب‌های حاکم بر رفتارها، به صورتی اعجاز‌گونه است.

در این نگاه ضمن تأکید بر حیات اجتماعی بشر و وجود غیرقابل انکار جامعه بشری با تمام روابط و عناصر تشکیل‌دهنده آن، قوانینی را می‌توان از نگاه قرآن کریم برای آن اثبات نمود که نه تنها از ویژگی‌های عمومی قوانین برخوردار است، بلکه ویژگی الهی بودن و قطعیت و استثنایپذیری آن می‌تواند دریچه نو و کارآمدی را در عرصه مطالعات علل و عوامل قانونمندی تاریخ و جامعه با نگرشی نو و بسیار مترقیانه باز نماید.

منابع و مأخذ:

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۴ ش.
۲. جلیلی، سید هدایت؛ تفسیر موضوعی (چیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۳. جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۴. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ دروس فی المناهج و الاتجاهات التفسیریة للقرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۵. ساروخانی، باقر؛ دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، چاپ مؤسسه کیهان، ۱۳۷۰ ش.
۶. سجادی، جعفر؛ فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
۷. شارون، جوئل؛ ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶ ش.
۸. صدر، محمد باقر؛ سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه: حسین منوچهری، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹.
۹. _____؛ سنت‌های تاریخ در قرآن، قم، نشر دفتر تبلیغات، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. طریحی، فخرالدین محمد؛ مجمع البحرین، تهران، المکتبة المرتضویة، ۱۳۹۵ ق.
۱۱. کرمی فریدنی، علی؛ ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم، نسیم انتظار، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. مجتهد شبستری، محمد؛ هرمنوتیک، کتاب و سنت، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، نشر سازمان تبلیغات، ۱۳۶۸ ش.
۱۴. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، قم، نشر صدرا، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. نصری، عبدالله؛ راز متن هرمنوتیک، قرائت‌پذیری متن و منطق فهم دین، تهران، آفتاب توسعه، ۱۳۸۱ ش.